

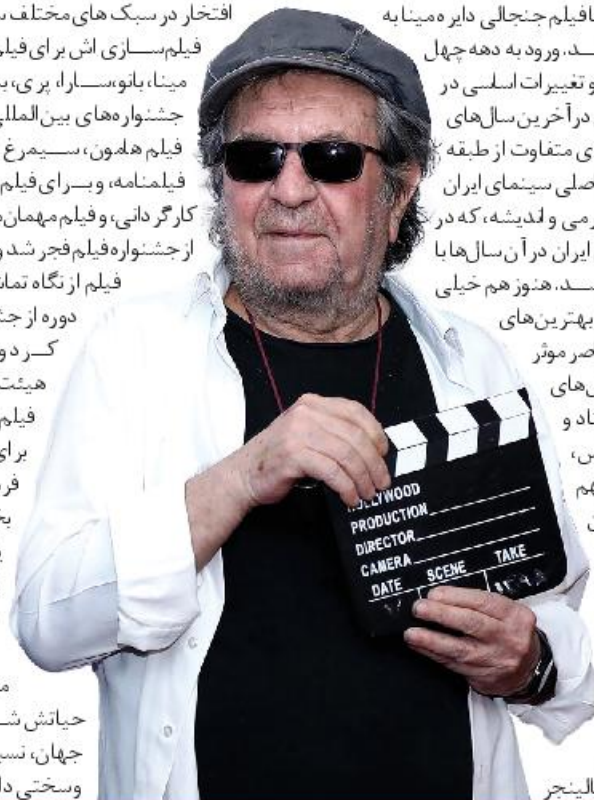
مهرجویی؛ تعادلی از سرگرمی و اندیشه

باشد یا قصه‌هایی از مهناز انصاریان و گلی ترقی؛ مهرجویی به طرز استادانه‌ای لگوهای داستانی را در جامعه‌ای معاصر خودش بازتعیین می‌کند و برای همراهی با شخصیت اصلی در مسیر قصه، لایه‌های مختلفی از جمله راه هم می‌کاود. در دهه شصت سالگی این مولف خاص سینمای ایران با بالارفتن سنش، روند عکس را پیش می‌گیرد و ترجیح می‌دهد تا به سراغ تجربه‌های سرخوشانه و رهاتری برود. دوره جدید در کارنامه داریوش مهرجویی با فیلم‌های متفاوتی آغاز می‌شود. در این میان، جهان بینی و فلسفه شرق‌گرایانه او همچنان یکتا است. از مهم‌ترین فیلم‌های او در این دوره مهمان مامان و سنتوری است که جزو محبوب‌ترین آثار تمام کارنامه‌اش به حساب می‌آیند و در میان نسل جدید مخاطبان سینمای ایران جایگاهی دست‌نیافتنی دارند. هفتادسالگی مهرجویی مصادف می‌شود با ساخت فیلم عجیب و خاص آسمان محبوب، فیلمی که از نظر مضمونی به ایده‌های کتاب جهان هولوغرافیک، ترجمه‌شده توسط خود مهرجویی، نزدیک است. نارتجی پوش، چه‌خوبه که برگشتی و اشباح از ساخته‌های مهم دیگر او در این دوره‌اند. مهرجویی دهه هشتاد زندگی خود را با لامینور آغاز می‌کند؛ فیلمی که داستان آن درباره دختر جوانی علاقمند به موسیقی در خانواده‌ای سنتی است که برای رسیدن به خولسته‌اش باید از سد مشکلات و موانع زیادی بگذرد. مهرجویی با دست گذاشتن روی ایده دختر شیفته موسیقی، همچنان به یک فکر یک سوژه احتمالی تأثیرگذار اما با لحنی متفاوت برای روایت است.

مهرجویی، فیلم‌سازی است که هم آثار پر فروش و رکوردشکن در کارنامه‌اش دارد، هم فیلم‌های جنجالی و توقیفی، هم طرقداران سرسختی در میان منتقدان سختگیر داشته و هم از سوی مخاطب عام با اقبال روبه‌رو شده است. سینماگر هشتادساله‌ای که با وجود تحمل مصائب فراوان بر قدرت به مسیر هنری‌اش برای کسب تجربه و افتخار در سبک‌های مختلف سینمایی ادامه داد. او در پرونده فیلم‌سازی‌اش برای فیلم گاو، آقای هالو پستیچی، دایره مینا، بانو، سارا، پری، بمانی، جوایز متعددی را از جشنواره‌های بین‌المللی کسب کرد و همچنین برای فیلم هلمون، سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی و فیلمنامه، و برای فیلم پری سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی، و فیلم مهمان ملان برنده جایزه بهترین فیلم از جشنواره فیلم فجر شد و با فیلم سنتوری جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را در بیست و پنجمین دوره از جشنواره فیلم فجر را از آن خود کرد و در نارتجی پوش جایزه ویژه هیئت داوران را از سی‌امین جشنواره فیلم فجر دریافت کرد. از نظر او برای ماندگار بودن نباید دنبال یک فرمول مشخص بود و اگر کسی بخواهد برای ماندگار شدن دنبال یک فرمول مشخص باشد، تبدیل به هنرمندی قلابی می‌شود، هنرمند واقعی به دلایل دیگری کار می‌کند، نه ماندگار شدن. ونگوگ پس از حیاتش شناخته و قدر دانسته می‌شود. جهان، نسبت به هنر، رویکرد بی‌رحمانه‌تری دارد.

سمیه خاتونی - پاییز هزار رنگ در روز ۱۷ آذر ماه سال ۱۳۱۸ داریوش مهرجویی رابه سینمای ایران هدیه داد. او در تهران از خانواده‌های متوسط به دنیا آمد. در کودکی تحت تأثیر مادر بزرگش که مسلمانی معتقد بود، قرار گرفت. در نوجوانی به موسیقی علاقه‌مند شد و مدت کوتاهی در کلاس آموزش موسیقی شرکت کرد. نزد پدرش که موسیقی ایرانی را خوب می‌شناخت به نواختن سنتور پرداخت و بعد با موسیقی کلاسیک غربی آشنا شد و به نواختن پیانو و نوشتن قطعاتی برای پیانو پرداخت. در هفده سالگی به سینما علاقه‌مند شد و برای درک بهتر فیلم‌های روز به آموختن زبان انگلیسی پرداخت. بیست ساله بود که برای ادامه تحصیل به کالیفرنیا رفت. نخست به خواندن سینما روی آورد اما خیلی زود سینما را رها کرد و به فلسفه پرداخت و در سال ۱۳۴۴ از دانشگاه یوسی‌ال‌ای لیسانس فلسفه گرفت. در همین سال سر دبیری نشریه پارس ریویو در لس‌آنجلس را به عهده گرفت. مهرجویی ابتدا با فریار جواهریان از دواج کرد که یکی از مهندسیین معمار نلمی ایران بود. حاصل این ازدواج دو فرزند با نام‌های مریم و صفا بود. سپس با وحید محمدی فر ازدواج کرده و حاصل این ازدواج دختری به نام مونا است. در سال ۱۳۴۶ نخستین فیلم خود به نام لماس ۳۳ را که فیلمی بسیار پرهزینه بود را ساخت. سال ۱۳۴۸ با هم کاری غلامحسین سعیدی فیلمنامه گاو را از روی یکی از داستان‌های کوتاه مجموعه عزاداران بیل سعیدی نوشت و فیلم گاو را ساخت. این فیلم جوایز متعددی را در جشنواره‌های بین‌المللی به ارمغان آورد. گاو هم از نظر تجاری هم از نظر هنری فیلم موفق از کار درآمد و فصل جدیدی در سینمای ایران گشود. داریوش مهرجویی در دهه سی سالگی، تصمیم گرفت که خود را به عنوان یک روشنفکر پیشرو معرفی کند. گاو، آقای هالو، پستیچی، دایره مینا و فیلم گمشده الموت محصول آن دوران‌اند. او با گام‌سیر سینمای هنری و روشنفکرانه ایران را برای چند دهه تحت تأثیر قرار می‌دهد و بعد با فیلم جنجالی دایره مینا به

سینمای اجتماعی الگو می‌دهد. ورود به دهه چهل زندگی او هم زمان است با انقلاب و تغییرات اساسی در کشور که با اجاره‌نشین‌ها و هلمون در آخرین سال‌های دهه چهل موفق می‌شود تصویری متفاوت از طبقه متوسط و مدرن ایرانی در جریان اصلی سینمای ایران را به نمایش بگذارد و میان سرگرمی و اندیشه، که در نسخه تعریف‌شده برای سینمای ایران در آن سال‌ها با هم متضاد بودند، به تعادل می‌رسد. هنوز هم خیلی از منتقدان این دو فیلم راجز و بهترین‌های کارنامه داریوش مهرجویی و از عناصر موثر در مسیر سینمای ایران در سال‌های بعدی می‌دانند. در دهه هفتاد و هجرت با پنجاه سالگی اقتباس، برای مهرجویی، از همیشه مهم و پررنگ‌تر هم می‌شود. در این دوره روی عنصری گمشده‌های در سینمای ایران دست می‌گذارد: شخصیت‌های زن و زنانگی در ایران کنونی، رویکردی که حاصلش می‌شود بانو، سارا، پری، لیلیا و درخت گلابی، فرقی نمی‌کند که منبع اقتباس کارهایش متون ایبسن و سالینجر



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران خیابان آیت‌الله منتقی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰ ۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

مهرجویی؛ کارگردان خیال و معنا

کتبخله بزرگ فیلم ایران، در رنگین‌ترین آثاری بدیل‌اش قفسه‌ای ماندگار و متنوع از فیلم‌هایی به شدت ایرانی دارد. این کتبخانه بدون این قفسه قطعاً چیزی کم داشت. حساسی از شورش یک کارگردان هنری ایرانی از جنس مهرجویی، ماروستا را با گاو می‌شناسیم. با هلمون پرده‌های خیال‌انگیز از زندگی را باور می‌کنیم و به کوچه پس‌کوچه‌های خیال‌انگیز یک ذهن معشوش سفر می‌کنیم. در اجاره‌نشین‌ها زندگی را با مصائب شگفت‌آورش لمس می‌کنیم و می‌خندیم. در لیلیا عشق در وجودمان شعله‌ور می‌شود. شوروی از بیگانگی یک زن با همسرش که در افسوس زندگی اجتماعی، قرار داده‌های عشقی‌اش را به باد می‌سپارد و در خولگی سپید، پر از گل سرخ به سوگ می‌نشیند. به سفره‌های باغی رنج کشیده در مهمانی ملان دعوت می‌شویم. و در سنتوری با علی تاوان یک اعتبار را در گوشه گوشه‌های شهر تهران پس می‌دهیم. در این گردش هزار تو در می‌یابیم. سینمای ایران، بدون مهرجویی، چقدر تهی می‌شد. از خیال و معنا مهرجویی قادر است بیافریند. و معنا را در دل هر لحظه به زیباترین شکل ممکن در تصویری ماندگار جان ببخشد. عزت نظلی از او به عنوان هنرمندی یاد می‌کند. که باید آرزوی هر هنرمند در هر سنی باشد که حتی اگر شده برای یک بار با او کار کند و بیاموزد بسیار هنر باید تاخته شود. خلمی، مهرجویی بر آمده از یک زندگی بسیار پیچیده و سخت است. مسیرهای متفاوت او در طول زندگی، برای او گنجینه‌ای از تجربیات بکر لندوخته، که صادقانه همه را از فیلتر نگاه هنری مهرجویی عبور داده و در پرده سینمای تصویر کشیده است. آثار او بسیار موثر از جامعه کنونی است و از واقعیت‌های موجود به نفع خودش تغذیه می‌کنند. نیکی کریمی را برای همیشه پری کرده و لیلیا حتمی. هنوز برای ماهمان لیلیا و خسرو شکیبایی همیشه هلمون بود و عزت الله انتظامی در مش حسن تجسم یافت. 'گاو من؛ گاو من؛ گاو من' که در نمره کدخدای! از دیالوگ‌های ماندگار از فیلم گاو. این زن سهم منه عشقه منه من طلاقش نمیدم" از دیالوگ‌های ماندگار فیلم هلمون است که در ضمیر هر هنر دوست ایرانی تبدیل به بخشی از باورش شده. مهرجویی باور می‌آفریند و فرهنگ می‌زاید. او با این دو فیلم تولد جنس سینمای ایران را عوض کند و منش مخاطب را در تملشای فیلم تغییر دهد. فیلم‌های او در نگاه مخاطب عام ایرانی شکلی عمیق ایجاد کرد. تا زندگی را دوباره ببیند.



www.mci.ir

شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول

